

ناآشنائی با مسائل کشاورزی و روستائی را یکی از دلایل ناموفق بودن برنامه‌های کشاورزی دانسته است و چنین نتیجه می‌گیرد:

«حقیقت این است که حداقل یکی از دلایل شکست‌های برنامه‌های کشاورزی ما... در چند دهه گذشته ناشی از بی‌توجهی و جهل مرکب نسبت به تجربیات چند هزار ساله است که درست از متن و بطن شرایط اقلیمی و فرهنگی این کشور برخاسته است و پادزهر بسیاری از مشکلات کشاورزی این کشور را در خود نهفته داشته است» (ص: ۱۲).

البته این یک واقعیت تلخ است که چگونه در کشاورزی تجربه‌ها و سنت‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند و این بی‌توجهی‌ها، ریشه در افکار کسانی دارد که درباره کشاورزی و کشاورزان ما به گونه‌ای خاص می‌اندیشند چنانکه مؤلف از قول لمیتون، پژوهشگر بریتانیایی چنین می‌نویسد: «اما در مورد خود دهقانان باید گفت که آنان نیز در فن همکاری مانند مالکان و دیگر طبقات ایران ناآزموده و بی‌تجربه‌اند... این طبقه به همکاری با هم کمتر تمایل نشان می‌دهند...» (لمیتون، ۱۳۴۵: ۶۸۴) البته فرهادی در کتاب خود این نظریه کاذب را رد می‌کند و من به مردود شمردن برحق ایشان، چنین اضافه می‌کنم: تعاونی‌های دولتی همیشه ناموفق بوده‌اند و یاریگری‌های دهقانی هنوز هم موفقند، در طول تاریخ همیشه روحیه جمع‌گرایی را در روستاها مشاهده می‌کنیم که به هم پیوستگی آن‌ها نظام‌هایی را در نقاط مختلف کشور ایجاد نموده که نمونه‌هایی از آن‌ها در این کتاب جمع‌آوری شده است: بنه‌ها، صحراها، هراسه‌ها و شیوه‌های جمعی در آبیاری در واحدهای شبانه‌روز و طاق آب و طول مدارگردش آب و جمع‌آوری نفقه، گوشه‌هایی از این هم‌کاری‌ها و هم‌پاری‌ها است که برای هر کدام کتاب‌های جداگانه‌ای منتشر شده است.

نامه انسان‌شناسی

دوره اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۸۱

صص. ۱۹۳-۱۹۸

فرهنگ یاریگری در ایران، درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون؛ جلد اول: یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری.

مرتضی فرهادی: تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۳، وزیری، نوزده + ۴۳۲ ص، همراه با: اسناد، تصاویر، جداول، طرح‌ها، نقشه، نمودار و فهرست‌های متعدد.

جواد صفی‌نژاد*

محتوای کتاب به سه بخش و هر بخش به چند فصل تقسیم گردیده است.

بخش اول: کلیات که شامل سه فصل است. بخش دوم: یاریگری‌های سنتی در زمینه آب و آبیاری که دارای دو فصل است. بخش سوم: یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در زمینه کشتکاری که دارای سه فصل است. علاوه بر این مؤلف در پیشگفتار نویدی برای جلد دوم کتاب داده است که انتشار یاریگری‌های دیگری را در هفت فصل مژده می‌دهد.

آنچه پیش از هر چیز در این کتاب دارای ارزش والائی است، ابداع واژه‌هایی است که تاکنون معنی، تفسیر و مکتوب نشده بودند مانند: خودیاری، همیاری، دگریاری، یاریگری و... (صص ۵۳ - ۵۹)، در فصل اول کتاب از قول پژوهشگری آگاه می‌خوانیم: «رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال‌های برنامه عمرانی چهارم در حدود دو درصد بوده است و این، در مقابل سرمایه‌گذاری‌های هنگفت، رشد ناچیز و غیر قابل توجیهی است» (ص: ۱۱). وی سپس

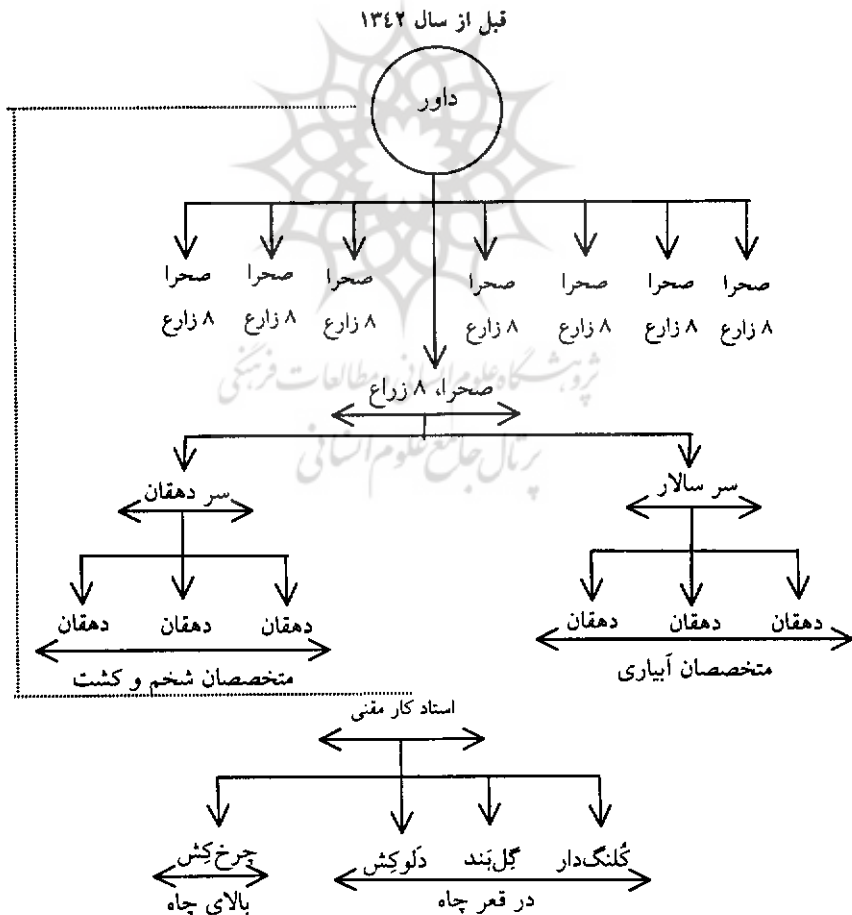
* - استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

لمپتون، دهقانان پر تجربه و آزموده ایران را «ناآزموده و بی‌تجربه» می‌داند در حالی که سراسر کتاب فرهادی، حاکی از تجربه‌های عمیق و ایجاد نظام‌های سنتی است که قلمرو هر کدام با تقسیمات جغرافیائی و اقلیمی ایران رابطهٔ تنگاتنگی دارد. در اینجا تنها به دو نمونه از این نظام‌ها اشاره می‌شود:

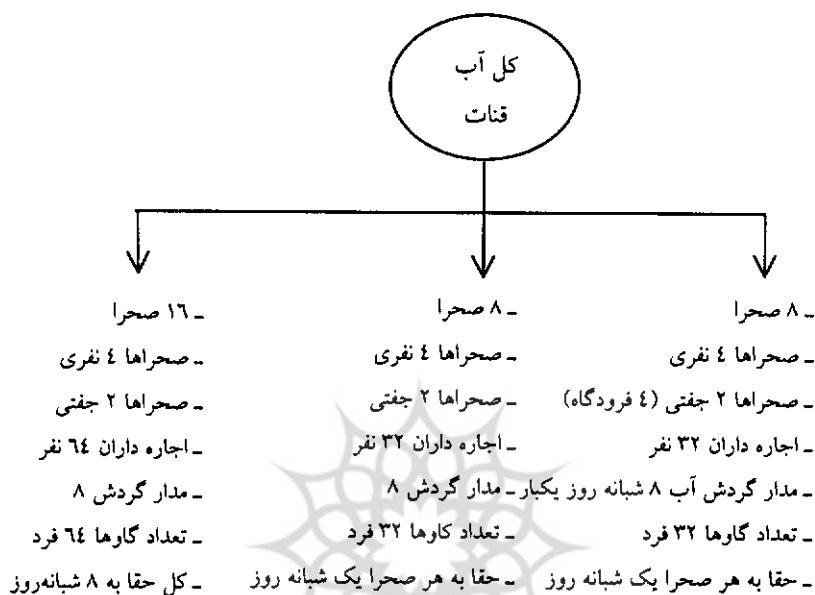
اول: نظام زراعی و آبیاری سنتی در روستای گناباد مشهد. در این روستا، نظام کشت و نظام آبیاری هر دو به شیوهٔ جمعی بوده و نمودار ۱ تقسیمات درونی و وظیفهٔ هر گروه و قشرهای وابسته را به‌طور دقیق مشخص می‌کند.

دوم: نظام آبیاری سنتی در روستای فامنین همدان است که در آن شرایط سنتی کشت و زرع فردی و خانواری برقرار است ولی آبیاری به شیوهٔ جمعی درون طاق آب و مدار گردش آب صورت می‌گیرد. شیوهٔ دقیق و فرمول وار، وظیفهٔ فردی و جمعی در این نظام هم قابل توجه و در خور تقدیر است: (نمودار ۲)

نمودار ۱- نظام زراعی و آبیاری سنتی در روستای گناباد مشهد



نمودار ۲- نظام زراعی سنتی روستای گناباد مشهد
پس از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲



پس از پیروزی انقلاب اسلامی دیگر صحرائی وجود نداشت. ۶۴ نفر زارع صاحب نسق قبلی دارای کشت و زرع مستقلی شده بودند، در نظام آبیاری، هر چهار نفر که دارای ۱۲ ساعت آب بودند (هر زارعی پس از اصلاحات اراضی دارای ۳ ساعت آب و نزدیک به ۵ هکتار زمین گردید) یک گروه هم آب را تشکیل دادند. در هر شبانه روز حدود ۱۰ هکتار زمین را مشروب می‌نماید ولی به مناسبت تغییرات مقدار حجمی آب قنات در رابطه با بارندگی همه ساله سطح زیر کشت زراعی نوسان می‌یابد.

فامنین همدان: فامنین که در حدود ۶۳ کیلومتری شمال شرقی شهر همدان در کنار جاده ساوه در یک دشت وسیع و باز قرار گرفته است به واسطه منبع آبدهی قابل توجه، یک نسوع نظام آبیاری جمعی و سنتی بر آن حاکم بوده که فشرده آن در زیر آورده می‌شود:

۹ قسمت و نهر برآبی که به دو نهر کوچک‌تر تقسیم می‌گردد	- روستای فامنین دارای
۹ شبانه روز یکبار از هر نهر، ۶ بار آبیاری در هر مدار	- مدار گردش آب
۵ جوق	- هر قسمت از نه قسمت دارای
۴۵ جوق (۴۵ واحد)، $۴۵=۵ \times ۹$	- گل روستا دارای
۲ شبانه روز آب از ۲ نهر (۴۸ ساعت)	- هر واحد پنج جوق دارای
سرجوق	- هر واحد پنج جوق دارای سرپرستی به نام
۲۰ جفت گاوشخم (۴۰ فرد گاوشخم)	- هر واحد پنج جوق دارای نیروی شخم برابر با
جوق باشی	- سرپرستی هر جوق به عهده فردی به نام
۳ هکتار	- وسعت هر گاو زمین
۲۴ هکتار، ۴ جفت \times ۳ هکتار	- وسعت یک جوق زمین
۱۲۰ هکتار، ۲۴ هکتار \times ۵ جوق	- وسعت هر پنج جوق زمین
۱۰۸۰ هکتار، ۱۲۰ هکتار \times ۵ جوق	- وسعت زمین‌های مزروعی روستا

- انتخاب جوق‌باشی‌ها از ۱۵ فروردین هر سال به بعد توسط مجمعی که در مسجد محل تشکیل شده و با قرعه کشی انجام می‌شود و نوبت آبیاری هر جوق در همین مجمع مشخص می‌گردد. از اول اسفند لایروبی نهرها آغاز و توسط خادم مسجد به اطلاع عموم می‌رسد. طول لایروبی به سه قسمت، لایروبی جوی‌ها، لایروبی راهنگ (هرهتج) و لایروبی کاریز (قنات) تقسیم می‌شود، نیاز به لایروبان برای هر قسمت:

۱- نیروی کار لایروبی جوی‌ها

- از هر جفت گاو ۱ نفر
- از هر جوق که دارای ۴ جفت گاو می‌باشد ۴ نفر
- از هر ۵ جوق ۲۰ نفر
- ۹ قسمت ده ۱۸۰ نفر

۲- نیاز کار لایروبی راهنگ (هرانگ)

- از هر فرد گاو (به خاطر مشکلی کار و عمق راهنگ) ۱ نفر
- از هر جوق ۸ نفر
- از هر پنج جوق ۴۰ نفر (۸ \times ۵)
- از کل ۹ قسمت روستا ۳۶۰ نفر (۴ \times ۹)

۳- نیاز کار لایروبی کاریز

- به هنگام نیاز، همکاری جهت لایروبی کوره قنات، از هر پنج جوق بیست نفر در هر روز جمع می‌شدند و پنج دست چرخ را به کار می‌گرفتند. برای هر دست چرخ چهار نفر از صبح تا غروب.

زمینی که در اختیار داشته است کار و فعالیت می‌کرده است (...) به طوری که گفتیم در بنه‌ها کار کشاورزی انفرادی بوده و لذا سر بنه از نظر مدیریت و تولید نقش، وظیفه‌ای نداشته است و ...» (ص ۲۷۹). بنابراین اگر بنه‌ها دارای کار گروهی نباشند و هر عضو بنه خود روی زمین خود کار کند پس واژه بنه معادل است با کار انفرادی و مستقل در روی زمین زراعی و این تعریف مغایر توضیحاتی است که در صفحات ۲۶۲ تا ۲۶۶ کتاب مورد بحث درباره بنه ارائه شده است.

به هر صورت انتشار این کتاب عظیم که سرمایه فعالیت پژوهشی سال‌های متمادی است جای تبریک دارد زیرا این حجم از اطلاعات کهن سنتی را از عرف کلی به تدوین و تحریر در آورده است و از گزند روزگار در امان داشته است. خداوند یار و یاور این گونه پژوهشگران باد.

منابع:

- لمپتون، آن، ۱۳۴۵، مالک و زارع در ایران، ترجمه امیری، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر

البته دو نمونه مذکور برای نشان دادن همکاری‌های درونی این نظام‌ها است و هیچ کس به اندازه فرهادی در این جمع آوری قوانین عرفی و نشان دادن چهره این همکاری‌های سنتی رنج و زحمت را بر خود هموار نکرده است و سراسر کتاب فرهنگ یاریگری گواه بر این مدعا و رنج برای جمع‌آوری انواع همکاری‌ها و هم‌پاری‌ها در این نظام‌های عرفی است. خوانندگان و علاقمندانی که می‌توانند روح این همکاری‌ها، نتایج و بازدهی آن را درک کنند به مؤلف کتاب آفرین می‌گویند ولی پاره‌ای از ایران شناسان ایران شناس، مدعیند که: «دهقانان مانند مالکان و دیگر ایرانیان در فن همکاری ناآزموده و بی تجربه‌اند و به همکاری با هم کمتر تمایل نشان می‌دهند». وقتی تنها نگاهی گذرا به کتاب بیفکنیم متوجه می‌شویم که تنها در کشت و آبیاری صدها نوع هم‌کاری و هم‌پاری صمیمانه بین زارعان وجود دارد. فرهادی اولین فردی است که اقدام به جمع‌آوری آن‌ها نموده است، فقط می‌توانم بگویم که برخی از نویسندگان اروپایی اغلب جامعه و فرهنگ ما را درک نمی‌کنند و فقط قالب‌های پیش ساخته خود را از مطالب جامعه ما به هر صورتی که در ذهن خود انباشته‌اند مملو می‌سازند.

در قسمت اعظم کتاب صحنه به پژوهش‌های فرهادی وظیفه است ولی فقط در قسمت بنه‌شناسی در فصل دوم از بخش سوم، همه مطالب قابل تأیید نیستند زیرا آقای فرهادی در هر کجا که جفت گاوی به کار شخم می‌پرداخته آنرا یک نوع بنه دانسته است و نقشه‌ای برای آن ترتیب داده (ص ۲۵۷) که تقریباً سراسر ایران را دربرگرفته است برای مثال در مورد بنه در روستای چغاچنگای اسلام آباد غرب در صفحه ۲۷۹ می‌نویسد: «بر خلاف بنه در سایر نقاط ایران، کار بنه (در روستای چغاچنگای) گروهی نبوده و هر عضو بنه به صورت شخصی روی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی